

ترجمہ ی محمد امین عسکری

حریرہ ی دکتر مورو



نشر سید حسرت

سرشناسه: ولز، هربرت جورج، ۱۸۶۶-۱۹۴۶م.

Wells, H. G. (Herbert George), 1866-1946

عنوان و نام پدیدآور: جزیره‌ی دکتر مورو / نویسنده اچ. جی. ولز؛ ترجمه‌ی محمدامین عسکری.

مشخصات نشر: تهران: نشر سیب سرخ، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۹۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۴۰-۴۸-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Island of Doctor Moreau.

یادداشت: کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران مختلف در سال‌های متفاوت منتشر شده است.

موضوع: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰م.

موضوع: English fiction -- 20th century

شناسه افزوده: عسکری، محمدامین، ۱۳۷۰ - مترجم

رده بندی کنگره: Z۳

رده بندی دیویی: ۸۱۲/۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۰۰۸۹

www.ketabi.ir

جزیره‌ی دکتر مورو

نویسند: اچ. جی. ولز
ترجمه‌ی محمدامین عسکری

صفحه آرای: رقیه قنبری تقدیس
ویراستار: شهریار وقفی‌پور
مدیر هنری و طراح جلد: ناصر نصیری
چاپ اول: ۱۳۹۹
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: سازمان چاپ تهرانی
حق چاپ محفوظ است.
شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۲۴۰ - ۴۸ - ۱

نشر سیب سرخ

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ پارسا، پلاک ۱۰۳
۶۶۹۷۳۱۸۳ ۶۶۹۷۲۹۷۶

www.nashresibesorkh.ir



فهرست

۸	مقدمه
۱۰	فصل اول: در قایق نجات، «آلیدی» رین
۱۴	فصل دوم: مردی که به ناکه می‌رفت
۱۹	فصل سوم: چهره‌ی عجیب
۲۷	فصل چهارم: بر عرشه‌ی کشتی
۳۲	فصل پنجم: ورود به جزیره
۳۷	فصل ششم: ملوانان شیطان‌ی
۴۴	فصل هفتم: در قفل شده
۵۱	فصل هشتم: صبحه‌ی پوما
۵۶	فصل نهم: موجودی در جنگل
۶۸	فصل دهم: صبحه‌ی انسان
۷۳	فصل یازدهم: شکار انسان
۸۰	فصل دوازدهم: نمازگزاران
۹۱	فصل سیزدهم: مذاکره
۹۸	فصل چهاردهم: دکتر مورو توضیح می‌دهد
۱۱۴	فصل پانزدهم: مردمان هیولاوش
۱۲۱	فصل شانزدهم: وقتی مزه‌ی خون زیر زبان مردمان هیولاوش می‌رود
۱۳۷	فصل هفدهم: مصیبت

مقدمه

در اول فورس ۱۸۸۰ کشتی لیدی وین^۱ بعد از برخورد با یک قایق ماهیگیری در مختصات جغرافیایی ۱۰°۷' غربی و ۱۰۷° شرقی ناپدید شد.

در پنجم ژانویه ۱۸۸۱ یعنی یازده ماه و چهار روز بعد - عمومیم، ادوارد پرندیک، از نجیب‌زادگان استرالیایی که بدون شک در کالانو^۲ سوار کشتی لیدی وین شده بود، و تصور می‌رفت ازرق شده باشد، در مختصات جغرافیایی ۵°۳' جنوبی و ۱۰۱° غربی پیدا شد. او در قایق کورکی با اسمی ناخوانا، که گمان می‌رفت به کشتی گمشده‌ی ایپاکاوان^۳ها^۳ تعلق داشته باشد، افتاده بود. شرحی که او از سرگذشتش در آن مدت می‌داد چنان غریب بود که هسگمان گمان کردند دیوانه شده است. چندی بعد او ادعا کرد که بعد فرار از کشتی لیدی وین دیگر چیزی را به خاطر نمی‌آورد. محافل روانپزشکی به عنوان موردی قابل توجه از اختلالات فراموشی، که در نتیجه‌ی فشار روانی و فیزیکی رخ می‌دهد، درباره‌اش به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. روایتی که در پی می‌آید، توسط برادرزاده و تنها ورثه‌ی او، در میان اسناد و مدارک وی پیدا شده است، امضای او پای آن‌ها بود، اما برای چاپ‌شان به صورت مشخص هیچ درخواستی نشده بود.

تنها جزیره‌ی شناخته‌شده، در محلی که عمومیم را یافته‌اند، جزیرک نابل^۱ است که جزیره‌ای کوچک و آشفشانی و البته غیرقابل سکونت محسوب می‌شود. در سال ۱۸۹۱ ناو اچ. اس. اسکورپیون^۲ از این جزیره بازدید به عمل آورد. گروهی از ملوانان در خاک آن پیاده شدند، اما در آن جا جز دسته‌ای بید سفید سمج و چندتایی گراز و خرگوش و تعدادی موش بعضاً متفاوت از موش‌های معمولی هیچ موجود زنده‌ی دیگری را نیافتند. بنابراین این روایت را به صورت قطعی نمی‌توان تایید کرد. با در نظر داشتن این مسئله، به نظر مشکلی برای در میان گذاشتن آن با افکار عمومی وجود نداشته باشد. باورم این است که عمومیم نیز چنین نبی داشته است. آن چه تاکنون از آن مطمئن هستیم این است که: عمومیم در مختصات جغرافیایی ۵° جنوبی و ۱۰۵° شرقی از دید انسان‌ها پنهان می‌شود و یازده ماه بعد دوباره در همان نقطه از اقیانوس پیدایش می‌شود. در این بین او به طریقی بایستی زنده مانده باشد. این واقعیت را نیز می‌دانیم که کشتی دودکله‌ای به نام ایکاکوآن‌ها با سرپرستش، نادلان دانه‌الخمر، به اسم جان دیویس^۳، در ژانویه ۱۸۸۷، از آفریقا به راه می‌افتد. کشتی یک پوما و تعدادی حیوان دیگر را با خود همراه داشته است، در بندرهای - سیه‌ی اقیانوس آرام جنوبی همه از این محموله‌ی عجیب باخبر بوده‌اند. سرانجام کشتی زنده، باینا^۴ به سوی سرنوشت نامعلومش عزیمت می‌کند (درحالی که بار نسبتاً سنگینی از مغز نارگیل داشته است)، و در دسامبر ۱۸۸۷، برای همیشه از دریا‌های آن جزایر پدید می‌شود؛ تاریخی که با روایت عمومیم دقیقاً جور در می‌آید.